

خواستگاری به روایت طهران عهد ناصری

۱ مهر ۱۴۰۲ ساعت ۱۹:۰۹

خواستگاریها با تمام دقت سر تا پای دختر را ورنانداز می کردند، چنگ لای موهایش می انداختند تا طاسی یا کچلی نداشته باشد. دندان هایش را می دیدند که مبادا مصنوعی باشد و چیزی که ابداً به آن اعتنایی نداشتند سواد و کمال دختر بود زیرا آن زمان خط و سواد را لازم نمی دانستند بلکه معتقد بودند دختر باسواد عاشق پیشه از آب درمی آید. در مقابل، به خانه داری وی بسیار اهمیت می دادند.

در تهران قدیم، برای خواستگاری رفتن، تعیین ساعت و روز برای خانواده پسر بسیار مهم بود. بسیاری بر این باور بودند که روز چهارشنبه مبارک ترین روز برای رفتن به خواستگاری است. از آنجا که در آن ایام رسم بر این بود که خواستگار سرزده و بدون اعلام وقت قبلی به خانه دختر بیاید، همیشه یکی از اتاقها (اتاقهای شاه نشین، پنج دری و ارسی) برای پذیرایی آماده بود. خواستگاریها به این علت سرزده می آمدند که از وضع خانه، پاکیزگی یا شلختگی صاحب منزل آگاه باشند. ناصر نجمی در کتاب طهران عهد ناصری می نویسد:

«خواستگاریها همین که وارد خانه می شدند، خودشان را معرفی می کردند. اگر در یک خانه چند دختر دم بخت بودند، دختر بزرگ تر را نشان می دادند. دختر مورد نظر با چادر نماز داخل اتاق می آمد و یک کاسه آب برای خواستگاریها می آورد چون می گفتند آب نطلبیده مراد و علامت روشنایی است. در مقابل، خانواده پسر چادر نماز روبه روی مادر دختر می گذاشتند و همچنین به عنوان هدیه، نقل و نبات را در یک کیسه ریخته، همراه خود می آوردند و با تعارف صاحبخانه می گفتند: «نقل آوردیم، نبات ببریم.» سپس کیسه نقل به وسط مجلس گذارده می شد و این حرکت نشان از آن داشت که باید دختر را برای دیدن بدون چادر احضار کنند. با وارد شدن دختر، چشمها به سوی او می رفت. خواستگاریها با تمام دقت سر تا پای دختر را ورنانداز می کردند، چنگ لای موهایش می انداختند تا طاسی یا کچلی نداشته باشد. دندان هایش را می دیدند که مبادا مصنوعی باشد و چیزی که ابداً به آن اعتنایی نداشتند سواد و کمال دختر بود زیرا آن زمان خط و سواد را لازم نمی دانستند بلکه معتقد بودند دختر باسواد عاشق پیشه از آب درمی آید. در مقابل، به خانه داری وی بسیار اهمیت می دادند. اگر دختر، مورد پسند خواستگار واقع می شد، برای پسرشان از شکل و شمایل دختر مورد نظر می گفتند و یک تصویر خیالی برای او ترسیم می کردند و در صورت پاسخ مثبت پسر، بار دیگر روانه خانه دختر می شدند. خواستگاریها در دیدار مجدد با سبزی، زغال و قلیان وارد خانه دختر شده و از او می خواستند سبزی پاک و قلیان چاق کند تا مهارت های وی را بسنجند. خانواده عروس، تا مشخص نشدن نتیجه خواستگاری، تحت هیچ شرایطی دختران کوچک تر را نشان خواستگار نمی دادند. گاهی اوقات هم مردان دو طرف برای خود قول و قرار می گذاشتند که فرزندان شان با یکدیگر وصلت کنند و پس از توافقات اولیه، مراسم خواستگاری شبانه صورت می گرفت. در این نوع مراسم یک نفر جلودار، به نام

«فانوس کش» پیشاپیش راه می‌افتاد. وی کلاه ماهوتی مشکی بدون لبه بر سر داشت که فانوسی بزرگ و استوانه‌ای شکل جلوی کاروان خواستگاران حمل می‌کرد که داخل آن چندین شمع رنگارنگ می‌سوخت. در مجلس مردانه، بستگان دختر با آب و تاب شروع می‌کردند به تعریف و تمجید عروس و او را تا عرش بالا می‌بردند و در مقابل، اقوام داماد هم از میزان دارایی و کمالات داماد لاف می‌زدند.»

منبع: ناصر نجمی، طهران عهد ناصری، تهران، نشر عطار، ۱۳۶۴، ص ۱۴۵

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۹۳۲۴/ناصری-عهد-طهران-روایت-خواستگاری>